

## کشف، تصحیح و تحشیه مکاتیب سنایی

علیم اشرف خان\*

شخصیت استاد فرهیخته نذیر احمد در میان محققانی که در زمینه ادبیات فارسی کار می‌کنند، محتاج معرفی نیست. استاد نذیر احمد از محققان مهم شبه قاره به‌شمار می‌آید و تحقیقات ایشان در زمینه کشف و معرفی نسخ خطی بسیار ارزنده است. کشف، تصحیح و تحشیه مکاتیب سنایی یکی از شاهکارهای ادبی اوست. استاد در این باره چنین می‌گوید:

«تاکنون ما از وجود ۱۷ نامه سنایی اطلاع داریم. سنایی این نامه‌ها را به‌یاران دوستان، وزرا و صدور غزنین و بهرام‌شاه غزنوی نوشته است. ولی فقط پنج نسخه آن در دسترس ما می‌باشد. کتاب حاضر براساس پنج نسخه خطی این نامه‌ها تهیه شده است.»

پنج نسخه خطی مکاتیب سنایی که استاد نذیر احمد آنها را اساس کار تصحیح قرار داده، به‌این شرح است:

نسخه دیوان هند، لندن (نسخه قرن ۱۱، ۱۷ ماه صفر ۱۰۰۶ هـ) شامل ۱۵ نامه.  
نسخه کتابخانه دانشگاه عثمانیه حیدرآباد، شماره نسخه ۱۳۹۷ (نسخه قرن یازدهم بدون تاریخ) شامل ۱۵ نامه.

نسخه کتابخانه مولانا آزاد در مجموعه حبیب گنج، به‌شماره ۲۱/۱۴۵، بدون سال کتابت که شامل ۱۴ نامه است.

---

\* دانشیار بخش فارسی دانشگاه دهلی، دهلی.

استاد نذیر احمد پس از ذکر این سه نسخه، عبارتی آورده است که نشان‌دهنده تجربه تصحیح، هنر کشف نسخه‌های خطی و مطالعه و تحقیق ایشان است:

«این هر سه نسخه نه فقط در تقدیم و تأخیر نامه‌ها، بلکه از هر حیث کاملاً مطابقت دارد حتی در اغلب چاپ‌ها غلط‌های هر سه یکی است، بنابراین به‌طور قطع و یقین می‌توان حدس زد که این هر سه نسخه یکی بوده است و آن هم از طرف کاتب مغلوپ رونویس شده بود». (ص ۲۸، مقدمه)

نسخه آقای سرور گویا در کابل که توضیحات آن در مجله آریانا شماره اول آمده است.

نسخه کلیات سنایی در کتابخانه آکسفورد، شماره ۵۳۷.

علاوه بر این پنج نسخه، استاد نذیر احمد نامه‌های دیگر سنایی را از مجلات و کتاب‌های مختلف نیز گردآوری کردند؛ برای مثال:

مجله ارمنان (چهار نامه، سه بار).

مجله یغما (دو نامه، یک‌بار).<sup>۱</sup>

دیوان سنایی چاپ مدرس رضوی (سه نامه به‌علاوه نامه‌ای به‌نام بهرام غزنوی که در دیباچه استنتاج شده است).

دیوان سنایی چاپ مظاهر مصفا (همان سه نامه).

کتاب حکیم سنایی تألیف استاد خلیل‌الله خلیلی (یک نامه به‌علاوه نامه بهرام‌شاه).

تعلیقات چهار مقاله به‌کوشش دکتر محمد معین (یک نامه منتشرشده در مجله یغما).

جنگ فارسی در کتابخانه دانشگاه اسلامی علی‌گره به‌شماره ۲۱۴/۶۴ (ضمیمه لینن) شامل چهار نامه سنایی.

مجموعه‌های نثر و نظم در کتابخانه حبیب گنج به‌شماره ۱۶۷/۵.

بیاضی در گنجینه بانکی پور پتنه به‌شماره ۱۹۹۵ (شامل نامه دوم از سنایی).

۱. متأسفانه با وجود تلاش بسیار نتوانستم شماره و سال چاپ مجله ارمنان و یغما را پیدا کنم.

پس از آن استاد نذیر احمد تمام این شانزده مکتوب سنایی را با این پنج نسخه و کتاب‌های چاپی و مآخذ دیگر مقایسه کرده و درباره همه آنها توضیحات مفیدی نوشته است. بنا به سابقه طولانی وی در زمینه تصحیح و تحشیه، مطالب او حائز اهمیت است. وی می‌نویسد:

«چون نسخه‌های این رساله مانند اغلب کتاب‌های خطی فارسی از تغییر و تبدیل مصون نمانده و متأسفانه هیچ‌یک از این نسخه‌ها که در دست نگارنده است، نسخه قدیمی و معتبری نیست؛ بنابراین هیچ‌یک را نسخه اساس نمی‌توان قرار داد. بنده تا اندازه‌ای سعی کرده‌ام که نسخه بهتر و معتبر در متن بگذارم و اختلافات نسخ و نسخه‌های بدل را در پاورقی بنویسم؛ اما بعضی کلمات تا حدی غلط و دست‌وپاشکسته نوشته شده است که با وصف کوشش فراوان آن واژه‌ها روشن نشده است و بنده امیدوارم که در آتیه چون نسخه بهتر و صحیح‌تر به دست آید، این نامه‌ها صحیح‌تر به چاپ رسد» (مقدمه مصحح، ص ۳۵).

شایان ذکر است که استاد نذیر احمد در مقدمه یادآور شده است که او سه نسخه یعنی ۱- دیوان هند، شماره ۹۲۷، کتابت سال ۱۰۰۶، ۲- کلیات سنایی، کتابخانه عثمانیه، حیدرآباد و ۳- مکتوبات حکیم سنایی در کتابخانه حبیب گنج، را از نظر متن یکی می‌داند و هر سه آنها از اصل نسخه استنساخ شده است. بعدها او نسخه سرور گویا (کابل، افغانستان)، کلیات سنایی (بادلین) آکسفورد، شماره ۵۳۷، جنگ در ذخیره لنین در کتابخانه دانشگاه اسلامی علیگره شماره ۶۴/۲۱۴، جنگ فارسی در ذخیره حبیب گنج به شماره ۵۰/۱۶۷ در کتابخانه اسلامی علیگره، جنگ در بانکی پور شماره ۱۹۹۵ را کشف کرده و متن مکاتیب سنایی را با آنها مقایسه کرده است و همه مجلات علمی که نامه‌های سنایی را چاپ کرده‌اند را ارزیابی کرده است و نتیجه خود را در تعلیقات و حواشی آورده است.

استاد نذیر احمد با توجه به وجود اغلاط فراوان در این نسخه‌ها تلاش کرده است که آیات قرآنی، احادیث نبوی، اقوال بزرگان، ضرب‌الامثال و اشعار عربی را با منابع معتبر بسنجد. وی تا حدی در این کار موفق شده است. حتی فقرات و محاورات

فارسی موجود در این نامه‌ها را با دیوان و حدیقه سنایی مقایسه و آنها را تصحیح کرده است.

بنا به تحقیق استاد:

«نامه‌های سنایی چندین بار تدوین یافته و ترتیب معتبر همان است که در نسخه‌های دانشگاه عثمانیه و دیوان هند و حبیب گنج رعایت شده است.»

(مقدمه مصحح، ص ۳۶)

استاد نامه شانزدهم را که در بعضی از نسخه‌های حدیقه سنایی و منتخب‌التواریخ جلد اول آمده و آقای مدرس رضوی آن را تصحیح و با چند نسخه دیگر مقایسه کرده است، به دلیل صحت انتساب آن نامه به نام بهرام‌شاه غزنوی، با سه نسخه دیگر مقایسه و شامل نامه‌های سنایی کرده است.

استاد نامه هفدهم را در یکی از جُنگ‌های کتابخانه حبیب گنج پیدا کرد و به دلیل شباهتی که این نامه با نامه‌های سنایی داشت، آن را در کتاب خود آورده است.

محقق نامدار استاد نذیر احمد علایم اختصاری به کار برده شده در تصحیح این کتاب را به دقت بررسی کرده است. بخش‌هایی از نامه هفدهم سنایی را در اینجا نقل می‌کنم تا محققان با روش نگارش حکیم سنایی بیشتر آشنا شوند:

«با آنکه سنین عمر از ستین گذشته و به‌حدّ سبعین مشرف گشته نه مخیله را قوت تخیل مانده و نه مفکره را تحمل تأمل. سبحه نثر از هم ریخته و میدان قافیه و نظم تنگ گردیده ساز سجع از آهنگ افتاده، طبع نفور است و نفس در کشاکش امور ناصبور. نه با هیچ کسم کاری و نه بر هیچ کارم قراری. دامن هرچه می‌گیرم گذاشتنی و پیراهن هرچه می‌گردم گذشتی. از آنچه ناگزیرم، می‌گریزم و از آنچه می‌گریزم، می‌آویزم. مقصود درون سینه و داخل دیده و من از نابینایی هر گوشه گردیده. مطلوب در کنار دل و میان جان و من در طلب آن سرگردان. به‌جلال ذوالجلال که یک ساعت از وجود مجازی رستن و به‌مقصود حقیقی پیوستن از حصول همه مرادات دنیوی شریف‌تر و از وصول به‌همه سعادات اخروی خوش‌تر و لطیف‌تر و این همه را به‌هیچ خریده و به‌هیچ فروخت.»

(ص ۱۲۲)

استاد ضمن تصحیح این نامه یادداشتی در پاورقی آورده‌اند:

«اصل نسخه متفکره اما به‌نظم مفکره از این روی مرجح‌تر است که این هم وزن مخیله است ولیکن این هم درست است که هر دو متخیله و متفکره باشند».

پس از نامه هفدهم سنایی ملحقات آمده است و استاد طبق نسخه آکسفورد آن را ذکر کرده است که تحت نامه پنجم ثبت بود.

پس از آن تعلیقات و حواشی آمده است و آن هم در دو بخش است. بخش نخستین درباره کسانی است که حکیم سنایی بدیشان نامه نوشته و در بخش دوم بعضی از مطالب متن توضیح داده شده است. توضیحات نامه‌های سنایی به‌قرار زیر است:

**نامه اول:** این نامه عنوان ندارد و معلوم نیست که مخاطب نامه حکیم سنایی کیست. از محتوای نامه چنین برمی‌آید که مخاطب نامه از رؤسای غزنین بود و علاقه زیادی به حکیم سنایی داشت.

**نامه دوم:** این نامه نیز عنوان ندارد؛ البته از القاب به‌کار برده شده می‌توان حدس زد که این شخص یکی از سادات و رؤسای بلندمرتبه غزنین بوده است.

**نامه سوم و چهارم:** به‌نام خواجه احمد مسعود است. سنایی با خواجه عمید احمد بن مسعود رابطه‌ای خصوصی داشت. خواجه یکی از بزرگان وقت و دوست منخلص و رفیق صدیق حکیم سنایی بوده است.

**نامه‌های پنجم و ششم و چهاردهم:** به‌نام قوام‌الدین ابوالقاسم ناصر بن حسین در گزینی انس‌آبادی است. قوام‌الدین وزیر سه پادشاه سلجوقی یعنی سنجر بن ملک‌شاه (۵۵۲-۵۱۱ ق)، محمود بن محمد بن ملک‌شاه (۵۲۵-۵۱۱ ق) و طغرل بن محمد بن ملک‌شاه (۲۷-۵۲۶ ق) بود و از دوستان حکیم سنایی به‌شمار می‌رفت.

**نامه هفتم:** به‌نام قاضی‌القضاة ابوالمعالی احمد بن یوسف و پدرش قاضی‌القضاة علاء‌الدین ابویعقوب یوسف بن احمد حدادی است.

**نامه هشتم، نهم و دهم:** این نامه‌ها یکی در جواب بازرگان، دومی به‌نام خیام برای قضیه دزدی و نامه سوم از نیشابور نوشته شده است که آن هم متعلق به دزدی است.

نامه یازدهم: این نامه به نام خواجه یوسف است.  
 نامه دوازدهم: این نامه به نام سرهنگ محمد خطیبی است. وی ممدوح سنایی بود و سنایی چندین قصیده به نام او سروده است. مسعود سعد سلمان (م: ۵۱۵ ق) و مختاری غزنوی (م: ۵۴۴ ق) از معاصران سنایی نیز سرهنگ محمد خطیبی را مدح کرده‌اند.

نامه سیزدهم: این نامه به نام یکی از دوستان سنایی به نام خواجه عبدالصمد است.  
 نامه پانزدهم: این نامه به نام امیر سید ابوالمعالی بن طاهر است.  
 نامه شانزدهم: این نامه به نام بهرام شاه غزنوی (۵۴۷-۵۱۲ ق) است.  
 نامه هفدهم: این نامه در یکی از جنگ‌های گرانبهای کتابخانه حبیب گنج مندرج است.

استاد نذیر احمد برای هفده مکتوب سنایی، حدود ۹۱ صفحه تعلیقات و حواشی و مقدمه نوشته است. استاد مثال‌های مختلفی را از منابع و مآخذ گوناگون نقل کرده است و این کار نهایت دقت را می‌طلبد. برای یک واژه و یک جمله باید صدها کتاب را مطالعه و مطالبی از آنها را استخراج کرد و پس از آن می‌توان نتیجه نهایی را به دست آورد. برای مثال استاد واژه بی‌اندامی در جمله «و نام آنجا بی‌اندامی بود». (ص ۱۰۹، سطر ۳)، از نامه پانزدهم را در حاشیه چنین توضیح می‌دهد:

بخش دوم تعلیقات و حواشی، ص ۳۳۰.

«بی‌اندامی» در مقدمه حدیقه (ص ۴۹-۴۸) چنین آمده است:

«ایشان را فرو گذاشتن خامی باشد... اجزای ایشان از هم فرو گذاشتن بی‌اندامی باشد».

و در چهارم مقاله (ص ۱۵۹) این جمله درج است:

«و فرخی را سگری دید بی‌اندام».

در سبک‌شناسی (۳۰۱/۲) واژه بی‌اندام بدین‌گونه شرح داده شده است:

«بی‌اندام یعنی نایاب، شوریده و بشولیده و این لغت در اصل به معنی بی‌قاعده و نامتناسب است و باندام ضد آن است و مجازاً به معانی فوق آمده و نظامی به معنی نخستین و دومین آورده است».

در لغت فرس اسدی، (ص ۳۴۷) است:

گی هان بخواجه عندانی عدن است و کار ما بانداما

امیر معزی گفت:

بی وصل تو دل در برم آرام نگیرد بی صحبت تو کار من اندام نگیرد

در فرهنگ جهانگیری (ص ۹۷۲) آمده است:

«اندام به اوّل فتح چهار معنی دارد، اوّل معروف است دوّم به معنی نظام آمده

چنانچه حکیم سوزنی راست: چون سخن در نظر از لطف تو اندام گرفت...»

سوم ادب و روش بود. جمال الدین عبدالرزاق فرماید:

سر کو نه به اندام کند بندگی تو آرند بدان سر سه طلاقى به شش اندام

(ص ۳۱-۳۳۰)

از صفحه ۳۴۰ تا ۳۴۵ فهرست مآخذ آمده که شامل نسخ خطی دیوانها، فرهنگها،

تذکرهها، مجلات، بیاضها و جنگهای فارسی است.

از صفحه ۳۴۷ تا ۳۶۳ فهرست اعلام، از صفحه ۳۶۴ تا ۳۷۲ فهرست کتب و از

صفحه ۳۷۳ تا ۳۷۶ فهرست اماکن آمده است.

علاوه بر این استاد در آخر کتاب فهرست کلمات مخصوص به کار برده شده در

متن نامهها را در شش صفحه از ۳۷۷ تا ۳۸۲ آورده است که برای کسانی که برای

نخستین بار این نامهها را میخوانند، فهرست سودمندی است.

استاد نذیر احمد کتاب کشف الاسرار و عدهالابرار را نیز از ایران دریافت کردند و

کار تحقیق خود را با این کتاب نیز مقایسه کردند. استاد در این باره چنین می نویسد:

«اخیراً کشف الاسرار و عدهالابرار معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری تألیف

ابوالفضل میدی در ده جلد (چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۳۰، ۱۳۳۹ ش) مورد

استفاده نگارنده این سطور قرار گرفت. میدی معاصر حکیم سنایی غزنوی بوده

و این تفسیر را در سال ۵۲۰ ق در زندگانی حکیم نوشته و تحت تأثیرش، اشعار

این شاعر شهیر را در بیشتر موارد به کار برده است و حتی بعضی جاها الفاظ،

فقرات و ترکیبات هر دو نویسنده یکی است. بنابراین بعضی مطالب لغوی و

ادبی و تاریخی کتاب حاضر از روی این تفسیر و دو کتاب دیگر واضح می‌شود». (ص ۳۰ و ۳۸)

استاد نذیر احمد تصحیحات و اضافات را در ده صفحه (صفحه ۳۸۲ تا ۳۹۲)، غلطنامه را در دو صفحه (۳۹۳ و ۳۹۴) و در آخر استدراکات را دو صفحه (۳۹۵ و ۳۹۶) آورده است.

انتشارات دانشگاه اسلامی علیگره مکاتیب سنایی را با تصحیح و تدوین استاد نذیر احمد در سال ۱۹۶۲ م چاپ کرد. این اثر استاد سرمشقی برای همه محققان و پژوهشگران زبان و ادب فارسی به‌شمار می‌رود.